

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: نسترن نصرتی

۱۶ مارچ ۲۰۲۳

## روسیه چگونه می‌تواند از «دام اوکراین» رهایی یابد؟



۷ ماه پس از آغاز عملیات ویژه در دون باس کشور ما در وضعیت سختی به سر می‌برد. یک پیروزی سریع صورت نگرفت و اکنون هرروز که می‌گذرد ارتش ما و اقتصاد ما در باتلاق یک جنگ استهلاکی که از طرف غرب مشترک به رهبری ایالات متحده آمریکا تحمیل شده، بیشتر فرو می‌رود. کرملین ظاهراً در وضعیت گیج و سردرگمی به سر می‌برد زیرا علم جامعه شناسی نشان می‌دهد که هنوز درصد زیادی از شهروندان روسیه از نظر اخلاقی از عملیات ویژه حمایت می‌کند ولی در عین حال تنها بخش کوچکی شخصاً حاضر است به دنبال یک بسیج عمومی «به جبهه جنگ برود».

با این پیش‌زمینه از یک طرف فراخوان‌های افراطی نظامی برای «آغاز یک جنگ واقعی» و حتی استفاده از سلاح اтомی و از سوی دیگر جو پاسیفیستی و حتی تسلیم‌طلبی رفته رفته افزایش می‌یابد. ... روشن است که مبارزه میان به اصطلاح «جناح جنگ‌طلب» و «جناح صلح‌طلب» اکنون شدت یافته و کندی روند در عملیات ویژه با آن ارتباط دارد. در چنین وضعیتی برای نمایندگان نیروهای چپ میهن‌پرست بسیار مهم است که موضع مشخصی به نفع مردم روسیه و در وهله اول اکثریت زحمتکش آن اتخاذ کنند. من در ماه مارچ سال جاری (۲۰۲۲) نوشتم:

«ما در نظر نداریم بمیریم و کمرندهای خود را سفت‌تر کنیم تا انگیزه‌های الیگارشی‌های کرملین را ارضاً نمائیم. آری اگر منافع بورژوازی ما با منافع شهروندان دون‌باس به طور موقت مطابقت داشته باشد باید از وضعیت استفاده کرد. ولی در گام بعدی باید پاسخ روشن پوتین به سوالات زیر را شنید:

• آیا تغییر جهت در توسعه و تکامل روسیه به سوی سوسیالیسم در نظر گرفته شده است؟

- آیا صنعتی‌سازی جدید کشور مد نظر قرار دارد و آن‌هم با چه شیوه‌هائی؟
- آیا ملی کردن بخش انرژی و مواد خام اقتصاد ما و همین‌طور بخش‌های صنایع ستراتیژیک دیگر که در حال حاضر الیگارش‌ها در آنها سودهای کلان به جیب می‌زنند، در نظر گرفته شده است؟
- آیا در نظر گرفته شده در شرکت‌های دولتی، که به «شاه‌نشین مدیران کارآمد» با درآمدهای نجومی و پاداش‌های کلان تبدیل شده است، نظم و انضباط برقرار گردد؟
- آیا افزایش واقعی درآمدها و حقوق بازنشستگان در نظر گرفته شده؟
- آیا واقعاً در نظر گرفته شده سن بازنشستگی را مجدداً به ۵۵/۶۰ سال کاهش بخشید؟
- آیا در نظر گرفته شده در روسیه سندیکاهای واقعی و مدیریت‌های خودگردان محلی ایجاد گردد؟
- آیا در نظر گرفته شده که انتخابات صادقانه و بدون تقلب برگزار گردد؟

هنوز می‌توان سؤالات بیشتری را مطرح کرد ولی ما مایلیم که حداقل به این سؤالات پاسخ داده شود. زیرا بدون این‌که هدف غائی تمام عملیات را درک کنیم و بخواهیم آن را تأیید کنیم، نمی‌توانیم این حق را برای کرملین قایل شویم که مردم ما را به جنگ اعزام کند و مردم را به سختی و فلاکت درازمدت محکوم سازد. آری ما همیشه حاضریم تمام نیروی خود را بسیج کنیم و برای یک هدف روشن و والا و شریف سخت تحمل کنیم. ولی به طور قاطع حاضر نیستیم برای انگیزه‌های امپریال و بهبود وضع الیگارش‌های سیری‌ناپذیر و مقامات فاسد و مرتشی دست‌های خود را به خون‌آلوده کنیم. ما باید موضع‌گیری آینده نیروهای میهن‌پرست در قبال عملیات ویژه نظامی را منوط به پاسخ به سؤالات بالا (و یا عدم پاسخ به آنها) کنیم.

قبول کنید که این سؤالات بسیار به روز است. آنها در ماه مارچ مطرح شد و اکنون سپتیمبر است. و باید اذعان داشت که پاسخ به تقریباً همه سؤالات منفی است. ما «چرخش به چپی» نمی‌بینیم و انتخابات اخیر را نیز نمی‌توان منصفانه نامید. الیگارش‌ها کماکان سرچالند، در حالی‌که گازپروم رقبای ما در اروپا را کماکان با گاز ارزان تأمین می‌کند و از این طریق به طور غیر مستقیم جنگ علیه روسیه را تأمین مالی می‌نماید، در این بین ستندرد معیشتی مردم مدام کاهش می‌یابد و معضلات اقتصادی اجتماعی جدی فزونی می‌یابد، که می‌تواند بزودی ابعاد بحرانی به خود گیرد، به ویژه این که عملیات ویژه نظامی منابع عظیمی از بخش‌های دیگر اقتصاد را به خود اختصاص می‌دهد.

به نظر شخصی من لازم است که نیروهای چپ میهن‌پرست روسیه در چنین وضعیتی با «عقاب‌های» تبلیغاتی که در واقع خواستار یک جنگ بی‌پایان با تقریباً تمام جهان می‌باشند و حاضرند برای انگیزه‌های نامناسب خود هزاران نفر از مردم روسیه را به جبهه‌های جنگ ارسال دارند، هم‌آواز نشوند. (جالب است که این تبلیغات‌چی‌های جنگ تا آخرین فرد روس، خود به دلایلی در جبهه‌ها حضور ندارند) درست این سناریو برای دشمنان ما که قصد دارند روسیه را در یک لشکرکشی نظامی طولانی خرد و نابود سازند و تکه تکه کنند، بسیار مطلوب است. صادق باشیم: این سناریو برای ما به معنای خودکشی است زیرا که غرب کلکتیو منابع بیشتری در اختیار دارد و نه چین و نه هندوستان و یا هر کشور دیگری حاضر نیست برای حمایت از ما جبهه دومی را بگشاید. در عین حال به هیچ وجه نمی‌توانیم موضع تسلیم‌طلبانه نسبت به غرب اتخاذ کنیم، که خیانت آشکار به شهروندان قهرمان دون‌باس است که به خاطر دفاع از حق تعیین سرنوشت خویش این همه لطمه دیدند. گذشته از این، این جنگ پیامدهای غم‌انگیزی نیز برای روسیه به همراه خواهد داشت.

از این رو برای چپ‌ها و میهن‌پرستان روسیه امروز درست‌ترین کار این است که راه حل منطقی ارائه کنند تا کشور هرچه زودتر از «دام اوکراین» رهائی یافته و عملیات نظامی ویژه را تحت شرایطی پایان بخشد (یا متوقف سازد) که

در شأن روسیه و مردم دونباس باشد و مبارزه سیاسی برای تحول سوسیالیستی کشورمان را تشدید نماید، که بدون آن در هر حال دیر یا زود با شکست روبه‌رو خواهیم شد. این موضعی است که با منافع شهروندان مطابقت زیادی دارد. مردم نمی‌خواهند به خاطر منافع الیگارش‌ها هزینه دهند. آنها خواستار تغییرات عادلانه و مترقی در روسیه هستند که در دراز مدت کشور را به استقلال واقعی خواهد رساند...

وقتی که در مورد سناریوهای مختلف برای رهائی از «دام اوکراین» سخن می‌گوئیم، این طور به نظر می‌رسد که گزینه اول امروز اجرای یک همه‌پرسی در مناطق جمهوری‌های لوهانسک و دونتسک در مورد وحدت هرچه سریعتر با روسیه (و یا پیوستن به اتحادیه‌ای متشکل از روسیه و بلاروس) است (سند الحاق چهار منطقه (لوهانسک، دونتسک، خرسون و زاپوریژیا) روز ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲ پس از یک همه‌پرسی روز ۲۷ سپتامبر در این مناطق صورت گرفت، توسط پوتین به امضا رسید. مترجم) ... نباید فراموش کنیم که جمهوری‌های لوهانسک و دونتسک قبلاً در روز ۱۱ مه ۲۰۱۴ همه‌پرسی در مورد استقلال از کیف را انجام داده بودند...

ظاهراً غرب از یک رودر روئی مستقیم با روسیه، که دارای یک زرادخانه عظیم اتمی است می‌هراسد و باید بداند که کوشش برای تسخیر دونباس که به بخشی از فدراسیون روسیه و یا اتحادیه متشکل از روسیه و بلاروس تبدیل خواهد شد، درست به همین رودر روئی مستقیم خواهد انجامید. گذشته از این مشکلات اقتصادی در اروپا با آغاز زمستان بیشتر خواهد شد و دمکراتها نیز می‌توانند در انتخابات ایالات متحده به طور جدی تضعیف شوند. باوجود همه این دلایل شانس رسیدن به توافق قابل قبول برای روسیه بسیار زیاد است و حضور ارتش روسیه در مناطق دیگر اوکراین (مثل خرسون، زاپوریژیا، خارکف و یا نیکولایف) می‌تواند تم اصلی تعاملات باشد. به طور همزمان می‌تواند این امکان نیز در نظر گرفته شود که شهروندان کلیه این ایالات که مایلند، به مناطق روس نشین کوچ کنند. امکان این‌که نیروهای صلح ملل متحد در خطوط تماس نیز به کار گرفته شوند تا ریسک شعله‌ور شدن مجدد دشمنی‌ها به حداقل رسانده شود را نیز باید در نظر گرفت. همین‌طور می‌توان مردم را برای مدت محدودی از مناطق مرزی دور کرد تا آنها را از تحریک و احتمال اقدامات نظامی دشمن در امان نگاه داشت. در سرزمین گسترده ما اشتغال برای آنان وجود خواهد داشت و در مورد مسأله شهرک سازی می‌توان سرمایه‌های بزرگ را زیر فشار قرار داد.

آری، البته به طور مشخص این خطر نیز وجود دارد که غرب به رویارویی مستقیم با روسیه بپردازد (و این خطر همیشه موجود است) ولی آنگاه اهداف اقدامات نظامی برای همه ما روشن خواهد بود که دیگر عملیات ویژه نظامی نیست، بلکه یک جنگ میهنی جدید خواهد بود و آنگاه خلق ما برپا خواهد خاست تا مثل گذشته در مقابل تجاوز، بی هیچ تزلزل و تردیدی از میهن خود دفاع کند.

باید اذعان کرد که در حال حاضر هیچ سناریوی ایده‌آلی برای خروج از «دام اوکراین» وجود ندارد. گزینه‌های نامبرده در بالا از جمله رفراندوم و بعد از آن توافق با غرب اگر با موفقیت به اجرا درآید، می‌تواند این امکان را به وجود آورد تا عزم و اراده شهروندان دونباس تا حد امکان تحمیل گردد ولی به طور همزمان از کشته شدن توده‌ی سربازان و مردم غیرنظامی ما جلوگیری کند و به روسیه این امکان را بدهد تا برای رهائی از فشار تحریم‌ها برای مدت نسبتاً طولانی تلاش‌های خود را روی مدرن سازی اقتصادی و صنعتی‌سازی نوین متمرکز سازد، به سطح نوینی از توسعه و تکامل برسد و کیفیت معاش شهروندان را بهبود بخشد. در اینجا نیروهای چپ میهن‌پرست روسیه برای اثبات خود دارای بهترین شانس‌ها هستند. لذا اگر چنین سناریویی بتواند تحقق پیدا کند، به مراتب بهتر از تقابل خونین طولانی بین روس‌ها و اوکراینی‌ها، که باعث خوشحالی مخالفان حسابگر و کلبی‌مزاج غربی ما خواهد بود است.

## صرف نظر کردن از «چرخش به چپ» یک خطای کرملین است

بروشنی مشهود است که با در نظر گرفتن بحران جهانی سرمایه‌داری نیروهای سیاسی چپ مجدداً به قدرت می‌رسند و یا حداقل مواضع خود را مستحکم می‌کنند.

یک نمونه بارز انتخابات ریاست جمهوری در برازیل است که دور دوم آن روز ۳۰ اکتوبر انجام شد. همان‌طور که می‌دانیم سیاست‌مدار افسانه‌ی سوسیالیست لوئیس ایناسیو لولا دا سیلوا، نامزد ائتلاف سوسیالیستی «فدراسیون برزیلی امید» در دور دوم بر رقیب خود رئیس‌جمهور وقت ژائیر بولسونارو پیروز شد. (۵۰،۸۵٪ در مقابل ۴۹،۱۵٪)

باید یادآور شد که در این بین در کلمبیا، ارجنتاین، بولیوی، چیلی، پرو، مکزیکو و همین‌طور ونزوئلا نیروهای چپ غالب شده‌اند. در واقع در قاره امریکای جنوبی تنها سه کشور وجود دارد که قدرت دولتی هنوز در دست سیاست‌مداران دست راستی قرار دارد: اکوادور، پاراگوئه و اوروگوئه. این یک گرایش بسیار گویا است!

به طور کلی باید گفت که در اغلب کشورها که سرکردگی امپریالیسم امریکا را رد می‌کنند، شیوه فکری چپ از نظر تاریخی بسیار قوی می‌باشد. و حداقل نباید چین، ویتنام، لائوس، کوبا و جمهوری دموکراتیک خلق کوریا و برخی دیگر از کشورها در قاره آسیا، افریقا و امریکای لاتین را فراموش کرد. نیروهای چپ در بسیاری از کشورهای اروپائی سنتاً قوی بوده است و در ایالات متحده امریکا سیاست‌مداران سوسیالیست مانند برنی ساندرز در سال‌های اخیر از حمایت بزرگی برخوردار بوده‌اند.

لذا اگر کشور ما اکنون ادعا می‌کند که پرچمدار جنبش ضداستعماری نوین است (که در دوران اخیر پوتین کراراً آن را مورد تأکید قرار داده) و امیدوار است که صفوف غرب کلکتیو را متزلزل کند، در آن صورت منطقی خواهد بود که روسیه خود گام‌هایی برای تغییرات سوسیالیستی در کشور بردارد تا پایه‌های ایدئولوژیک این جنبش ضداستعماری را تقویت نماید.

ولی رئیس‌جمهور پوتین در اجلاس "والدای" ... در سخنرانی خود در مقابل حضار و میهمانان خارجی که به مراتب بیشتر از گذشته به چپ تمایل داشتند، نه از لنین، بلکه از زولشیتسین نقل قول کرد. او در پاسخ به این سؤال که موضع او نسبت به جنبش چپ چیست، گفت: «افراد با تفکر کمونیستی، فکر می‌کنند که در واقع باید دوباره همه چیز ملی و دولتی شود. (...) بسختی می‌توان گفت که این کار تاچه حد مؤثر است (...) نیازی موجود نیست. ما از این واقعیت حرکت می‌کنیم، که لازم است از کاراترین ابزار برای توسعه و تکامل کشور یعنی اصول بازار استفاده کرد.»

پوتین با قدرت عمودی خود با خواستها و ابتکارات و پیشنهادات نیروهای چپ میهن‌پرست روسیه، که خواستار «چرخش به چپ» و تغییر کورس توسعه و تکامل کشور است، این طور برخورد می‌کند. نادیده گرفتن و به کنار نهادن این ابتکارها به خصوص اکنون که دشواری‌های عملیات نظامی ویژه بسیج گسترده اقتصاد را ضروری می‌دارد، بیشتر آشکار می‌شود.

حتی رهبر باصبر و حوصله حزب کمونیست فدراسیون روسیه گنادی زیوگانف نتوانست بر احساسات خود سرپوش گذارد و در کانال تلگرامی خودسیاست دولت را سخت مورد انتقاد قرار داد: «می‌توان فکر کرد که اگر گلوشان را بگیریم و بخشی از امور مالی آنها را ضبط کنیم، آنها بقیه پول‌های خود را به غرب منتقل نخواهند کرد! اصلاً و ابداً! بانک مرکزی پیش‌بینی کرده که فرار سرمایه از روسیه در سال ۲۰۲۲ احتمالاً بالغ بر ۲۴۶ میلیارد دلار خواهد بود. اگر ذخایر منجمد شده را نیز بدان اضافه کنیم این مبلغ به بیش از ۵۴۶ میلیارد دلار خواهد شد! این مبلغی است که

کشور از دست خواهد داد. این پول می‌تواند برای بازسازی تمام کشور و حمایت از مناطقی که به دامن مام میهن بازگشته‌اند استفاده گردد. ولی به خاطر دلایلی این پول به دست کسانی می‌افتد که یک جنگ ترکیبی به ما تحمیل کرده‌اند، سلاح در اختیار باندپرست‌ها در اوکراین می‌گذارند، که جوانان ما را به قتل می‌رسانند. این روند کاملاً بی‌معنی و مزخرف است!»

جالب است که کرملین در این ۸ ماه گذشته از آغاز عملیات ویژه در اوکراین مطلقاً حاضر نیست از هواداران سوسیالیسم در فرآیند رهبری کشور استفاده کند. رسانه‌های رسمی برنامه‌های سوسیالیستی را به طور کل نادیده می‌گیرند و نمایندگان اپوزیسیون چپ در روسیه کماکان مورد پیگرد قرار دارند. این بدان معنی است که کرملین به هیچ وجه حاضر نیست سیاست‌های خود را واقعاً به سمت چپ معطوف نماید.

به نظر من ولادیمیر پوتین در جو ژئوپولیتیک کنونی اشتباه می‌کند که از اجرای اصطلاحات سوسیالیستی سرباز می‌زند. امروز تعداد بی‌شماری از مردم در سطح جهان که دارای نظرات چپ است و از امپریالیسم امریکا متنفر می‌باشد نمی‌تواند به طور کامل روسیه را به عنوان رهبر واقعی جنبش رهائی‌بخش جهانی احساس کند، زیرا آنها شاهدند که مقامات روس باوجود سخنوری ضد امریکائی کماکان یک کورس اقتصادی لیبرال مونتاریستی را دنبال می‌کنند و در کشور خود سیاست غیر عادلانه‌ای را به نفع سرمایه‌های بزرگ و الیگارش‌ها دنبال می‌نمایند.

به سخن دیگر: روسیه نمی‌تواند به هواداران بالقوه خود در سطح جهان یک تصویر موجه ایدئولوژیک برای یک آلترناتیو آینده در مقابل ایدئولوژی انباشت و مصرف غرب ارائه کند. این امر جلب حمایت میلیاردها نفر از هواداران سوسیالیسم در سطح جهان را مشکل می‌کند و این امکان را برای غرب کلکتیو فراهم می‌سازد تا به سیاست ضد روسی خود به مصداق «تقسیم کن و حکومت کن!» ادامه دهد.

اگر امروز روسیه آغاز یک پروژه مدرن سوسیالیستی برپایه بهترین دستاوردهای اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای مترقی را اعلام کند و اگر روسیه با غرور و افتخار پرچم سرخ مبارزه ضدامپریالیستی در سطح جهان را به اهتزاز درآورد، در آن صورت «ارتش‌های» عظیمی از پشتیبانان ایدئولوژیک در سطح جهان خواهیم داشت، که بنای یک بلوک جهانی سوسیالیستی در اپوزیسیون با سرکردگی ایالات متحده و اقمار آن را بسیار کاراتر خواهد نمود و این امر طبیعتاً موضع روسیه در جنگ ترکیبی کنونی با غرب را بشدت تقویت خواهد کرد.

ولی به نظر من مقامات روس وقت‌کشی می‌کنند و درجا می‌زنند، زیرا گروگان برداشت‌های محافظه‌کارانه راست و متعصبانه خود هستند، که کشور ما را محکوم به انزوای ژئوپولیتیک می‌نماید. از این رو این مسأله که چگونه می‌توان امروز کورس توسعه و تکامل روسیه را تغییر داد، بدون اغراق دارای اهمیت سیاسی است.

منبع: Swobodnaja Pressa, 20.9. & 31.10.2022

برگرفته از: اوراق مارکسیستی

نویسنده: سرگئی اودالتسف

برگردان: تارنگاشت عدالت/ پنجشنبه، ۱۸ اسفند- حوت- ۱۴۰۱

منتشر شده در تاریخ: جنوری ۲۰۲۳